

وینسنت ناوارو (Vincent Navarro) ۱

مانثلی ریویو

ترجمه: مهرداد بهارآرا

## مبارزه‌ی طبقاتی

### در بعد جهانی

داستانسرای‌های نئولیبرالیسم در خصوص کاهش نقش دولت در زندگی مردم با واقعیت‌های موجود همخوانی ندارند و به راحتی افشاء میشوند. در حقیقت، همانطوریکه زمانی جان ویلیامسون، یکی از معماران ورزیده‌ی نئولیبرالیسم، مطرح کرد، "ما باید درک کنیم که آن چیزی که دولت آمریکا در خارج از مرزهای خود ترویج می‌کند، لزوماً در خانه اجرا نمی‌کند،" و اضافه می‌کند که "دولت آمریکا سیاست‌هایی را ترویج می‌کند که در خانه قابل اجرا نیستند." ("آنچه با طرح رفرم سیاسی منظور واشنگتن است،" جی ویلیامسون، اصلاحات در آمریکای لاتین، ۱۹۹۰، ص ۲۱۳). بهتر از این نمیتواند به زبان آورده شود. به زبانی دیگر، برای درک سیاست‌های عمومی آمریکا، نه به آن چیزی که دولت آمریکا می‌گوید، بلکه به آن چیزی که این دولت عمل می‌کند باید دقت شود. چنین امری منحصر به آمریکا نیست، بلکه در بیشتر کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته چنین سیاستی دنبال میشود. دولت‌های این کشورها بیش از پیش به سیاست‌های دخالت‌گرایانه روی آورده‌اند. حجم دولت (با معیار هزینه‌های عمومی سرانه) در بیشتر این کشورها افزایش یافته است. در این خصوص نیز اطلاعات تجربی محکم وجود دارند. آن چیزی که اتفاق افتاده است نه کاهش دخالت دولت، بلکه تغییر ماهیت دخالت دولت در راستای تقویت خصلت طبقاتی خود بوده است.

## بخش یکم

### نئولیبرالیسم به مثابه‌ی عملکرد طبقاتی

از وجوه مشخصه دوران ما، سلطه‌ی نئولیبرالیسم در حوزه‌های اصلی اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و در آژانس‌های بین‌المللی تحت نفوذ آنها - از جمله سازمان جهانی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، و آژانس‌های فنی سازمان ملل متحد از قبیل سازمان بهداشت جهانی، سازمان تغذیه و کشاورزی، و یونیسف می‌باشد. با آغاز در دوران کارتر، نئولیبرالیسم در دوران ریگان در آمریکا و در دوران تاچر در انگلستان نفوذ خود را گسترش داد و به یک ایدئولوژی جهانی تبدیل شد. تئوری نئولیبرالیسم (نه لزوماً راهنمای عمل آن) بر اصول زیر استوار است:

۱- "دولت" state - ( و یا آن چیزیکه در مکالمات روزمره به غلط "حاکمیت" - "government" نامیده میشود) باید نقش خود در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را کاهش دهد.

۲- بازارهای کار و مالی باید از قید قوانین و مقررات آزاد باشند تا بتوانند انرژی خلاق و عظیم بازارها را آزاد کنند.

۳- تجارت و سرمایه‌گذاری‌ها باید از طریق حذف مرزها و موانع و با ایجاد فضا برای حرکت آزادانه نیروی کار، سرمایه، کالاها، و خدمات تقویت شوند.

از دیدگاه نویسندگان نئولیبرال، کاربرد این اصول در مقیاس جهانی به توسعه‌ی پروسه‌ی "جدید" جهانی‌سازی فعالیت اقتصادی که باعث ایجاد یک دوره رشد بیسابقه‌ی اقتصادی، همراه با یک دوره‌ی جدید پیشرفت اجتماعی شده است انجامیده است. آنها همچنین ادعا میکنند که برای اولین بار در تاریخ، شاهد یک اقتصاد جهانی هستیم، که در آن دولت‌ها قدرت را از دست میدهند و با یک بازار جهانی به مرکزیت شرکت‌های بزرگ چندملیتی، که واحدهای اصلی فعالیت اقتصادی در دنیای امروزی محسوب میشوند، جایگزین میشوند.

جشن پروسه‌ی گلوبالیزاسیون در بین شاخه‌هایی از چپ نیز مشاهده می‌شود. مایکل هاردت و آنتونیو نگری ۲، در کتاب معروف خود تحت عنوان "امپراتوری" (انتشارات دانشگاه هاروارد، ۲۰۰۰) خلاقیت عظیم آنچه را عصر جدید سرمایه‌داری ارزیابی می‌کنند به جشن می‌نشینند. آنها ادعا می‌کنند که این عصر جدید با رهاسازی خود از قید ساختار کهنه‌ی دولتها، باعث ایجاد یک نظم جدید جهانی می‌شود، که آنرا نظم امپریالیستی تعریف می‌کنند. آنها همچنین می‌گویند که این نظم جدید بدون سلطه و هژمونی دولت برقرار خواهد بود. آنها چنین مینویسند:

ما می‌خواهیم تأکید کنیم که استقرار امپراتوری قدمی مثبت در راستای حذف فعالیت‌های نوستالژیک بر پایه‌ی ساختارهای قدرت سابق است. ما همه‌ی استراتژیهای سیاسی، مانند رستاخیز ملت-دولت، که به قصد محافظت از جمعیت در مقابل سرمایه خواهان بازگرداندن ما به شرایط گذشته هستند را رد می‌کنیم. همانطوریکه مارکس اعتقاد داشت که سرمایه‌داری یک شیوه‌ی تولید و یک نوع جامعه‌ی برتر از شیوه‌ی تولید و نوع جامعه‌ای است که پشت سر گذاشت، ما بر این باوریم، که نظم جدید امپریالیستی از سیستم ماقبل خود برتر است. این بینش مارکس بر رد سیاست‌های حمایتی منطقه‌ای و سلسله مراتب جزمی ماقبل سرمایه‌داری و همچنین درک پتانسیل عظیمی که سرمایه‌داری برای آزادی داشت استوار بود.

از دیدگاه هاردت و نگری، گلوبالیزاسیون (یا به عبارتی، جهانی کردن فعالیت اقتصادی طبق اصول نئولیبرالی) به آن چنان سیستم جهانی تبدیل می‌شود که فعالیت را در مقیاس جهانی به نوعی تقویت میکند که به دولت یا رهبری دولتی و یا سازمانی نیاز نیست. چنین بینش ستایشگرانه و دلخوش‌کننده‌ای در مورد گلوبالیزاسیون و نئولیبرالیسم، ارزیابی مثبت امیلی ایکین، منتقد نیویورک تایمز، و دیگر منتقدین جریان اصلی، از "امپراتوری" را توجیه میکند. در حقیقت، ایکین "امپراتوری" را چارچوبی معرفی میکند که دنیا باید واقعیت آنرا درک کند.

هاردت و نگری، به همراه دیگر پیش‌کسوتان نئولیبرال، توسعه‌ی گلوبالیزاسیون را ستایش میکنند. دیگر نویسندگان دست چپی، با باور به اینکه گلوبالیزاسیون دلیل اصلی رشد نابرابری در مقیاس جهانی میباشد، این جشن آنها را به سوگ نشسته‌اند. حائز اهمیت است که تأکید شود که با وجودی که نویسندگان گروه دوم - از جمله سوزان جورج و اریک هابزباوم - از یورش گلوبالیزاسیون ضجه سر میدهند و نئولیبرالیسم را با انتقادهای خود به چارمیخ میکشند، هنوز همچون نویسندگان نئولیبرال، فرض پایه‌ای نئولیبرالیسم را مبنی بر اینکه در یک نظم جهانی، دولت‌ها دچار ریزش قدرت میشوند و قدرت آنها به کئورپوریشن‌های چندملیتی منتقل میشود، باور دارند.

### تضاد بین تئوری و عمل در نئولیبرالیسم

بگذار از همینجا روشن کنیم که تئوری نئولیبرالی و عملکرد (practice) نئولیبرالی را نباید یکی گرفت. بیشتر اعضای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (the Organization for Economic Co-operation and Development - OECD) به‌شمول دولت فدرال آمریکا - مشاهده کرده‌اند که افزایش دخالت و هزینه‌های عمومی دولت در عرض سی سال گذشته را تجربه کرده‌اند. حوزه‌ی تحقیقاتی من سیاست عمومی است و خصلت دخالت‌گرایانه‌ی دولت را در خیلی از کشورها مطالعه کرده‌ام. من میتوانم بر افزایش دخالت دولت در بیشتر کشورهای رشد یافته‌ی سرمایه‌داری صحنه بگذارم. حتی در ایالات متحده، نئولیبرالیسم رئیس‌جمهور ریگان به کاهش حجم بخش عمومی فدرال منجر نشد. در عوض، در پی افزایش هزینه‌های نظامی از ۴،۹٪ تولید ناخالص ملی به ۱۰،۶٪ (دفتر بودجه‌ی کنگره، حساب‌های ملی، ۲۰۰۳)، هزینه‌های عمومی فدرال در دوران ریگان از ۲۱،۶٪ تولید ناخالص ملی به ۲۳٪ افزایش یافت. این افزایش هزینه‌های عمومی به بهای افزایش کسری بودجه‌ی فدرال (با افزایش بدهی فدرال) و افزایش مالیات‌ها تأمین شد. ریگان در حقیقت بیش از همه‌ی رئیس‌جمهورها در تاریخ آمریکا مالیات را برای بخش عظیم‌تری از جمعیت (در دوران غیر جنگ) افزایش داد. وی مالیات را نه فقط یکبار،

بلکه دوبار (در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳) افزایش داد. در یک نمایش قدرت طبقاتی، ریگان مالیات ۲۱٪ از پردرآمدترین بخش مردم را به‌طور چشمگیری کاهش داد، در حالیکه مالیات اکثریت جامعه را افزایش داد.

این دقیق نیست که گفته شود ریگان نقش دولت در ایالات متحده را با کاهش حجم بخش عمومی و کاهش مالیات کاهش داد. آنچه ریگان (و قبل از وی کارتر) انجام داد تغییر چشمگیر خصلت دخالت‌گرایانه‌ی دولت بود، به‌طوری‌که اقشار بالای جامعه و گروه‌های اقتصادی (مانند کئورپوریشنهای در ارتباط با امور نظامی) که برای انتخاب شدن وی سرمایه‌گذاری کرده بودند حتی بیش از پیش از این امر بهره بردند. سیاست‌های ریگان در حقیقت سیاست‌های طبقاتی بودند که به اکثر طبقه کارگر آسیب وارد کرد. ریگان با کاهش بی‌سابقه‌ی هزینه‌های اجتماعی، خصلت عمیقاً ضد کارگری خود را به نمایش گذاشت. باید مکرراً گفته شود که سیاست‌های مبتنی بر هزینه‌ی چشمگیر عمومی و کسری عظیم بودجه‌ی فدرال ریگان، نه نئولیبرالی بلکه کینیسین ۳ بودند. همچنین، دولت فدرال به‌طور فعال (اکثراً، اما نه صد در صد، از کانال وزارت دفاع) در توسعه‌ی صنعتی کشور دخالت کرد. کاسپار واینبرگر، وزیر دفاع ریگان زمانی گفت (در جواب انتقاد دمکرات‌ها که دولت بخش تولید را به حال خود رها کرده است)، "دولت ما آن دولتی است که در دنیای غرب پیشرفته‌ترین و گسترده‌ترین سیاست صنعتی را دارد" (واشینگتن پست، ۱۳ ژوئیه، ۱۹۸۳). وی درست می‌گفت. هیچ دولت غربی دیگری چنین سیاست گسترده‌ی صنعتی را نداشت. در حقیقت، دولت فدرال آمریکا یکی از دخالت‌گرترین دولت‌ها در دنیای غرب می‌باشد.

شواهد قوی علمی وجود دارند که ایالات متحده یک جامعه‌ی نئولیبرالی نیست (همان‌طوری‌که بارها تعریف شده است) و اینکه دولت آمریکا از نقش کلیدی خود در توسعه‌ی اقتصاد ملی، به‌شمول تولید و توزیع کالاها و خدمات توسط کئورپوریشن‌های بزرگ نمیکاهد. این مدرک تجربی نشان می‌دهد که سیاست دخالت‌گرایانه‌ی دولت فدرال آمریکا (در حوزه‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ، و امنیت) در طول سی سال گذشته افزایش یافته است. به‌عنوان نمونه، در حوزه‌ی

اقتصادی سیاست حمایت از تولیدات داخلی ۴ (protectionism) نه تنها کاهش نیافته است، بلکه از طریق سوبسیدهای چشمگیر به بخش‌های کشاورزی، نظامی، هوانوردی، و زیست‌پزشکی (biomedical) افزایش یافته است. در حوزه‌ی اجتماعی، دخالت‌های دولت در راستای تضعیف حقوق اجتماعی (و به‌طور ویژه حقوق کارگران)، و تحت کنترل داشتن حقوق شهروندی، نه تنها در دوران ریگان، بلکه همچنین در دوران بوش پدر، کلینتون، و بوش پسر شدیداً افزایش یافته است. در خلال سی سال گذشته، نه تنها از سیاست دخالت‌گرایانه‌ی دولت آمریکا کم نشده است، بلکه این سیاست خصلت طبقاتی ناموزونی به خود گرفته است.

داستانسرائی‌های نئولیبرالیسم در خصوص کاهش نقش دولت در زندگی مردم با واقعیت‌های موجود همخوانی ندارند و به‌راحتی افشاء میشوند. در حقیقت، همان‌طوریکه زمانی جان ویلیامسون، یکی از معماران ورزیده‌ی نئولیبرالیسم، مطرح کرد، "ما باید درک کنیم که آنچیزی که دولت آمریکا در خارج از مرزهای خود ترویج میکند، لزوماً در خانه اجرا نمیکند،" و اضافه میکند که "دولت آمریکا سیاست‌هایی را ترویج می‌کند که در خانه قابل اجرا نیستند." ("آنچه با طرح رفرم سیاسی منظور واشنگتن است،" جی ویلیامسون، اصلاحات در آمریکای لاتین، ۱۹۹۰، ص ۲۱۳). بهتر از این نمی‌تواند به زبان آورده شود. به زبانی دیگر، برای درک سیاست‌های عمومی آمریکا، نه به آنچیزی که دولت آمریکا میگوید، بلکه به آنچیزیکه این دولت عمل می‌کند باید دقت شود. چنین امری منحصر به آمریکا نیست، بلکه در بیشتر کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته چنین سیاستی دنبال میشود. دولت‌های این کشورها بیش از پیش به سیاست‌های دخالت‌گرایانه روی آورده‌اند. حجم دولت (با معیار هزینه‌های عمومی سرانه) در بیشتر این کشورها افزایش یافته است. در این خصوص نیز اطلاعات تجربی محکم وجود دارند. آنچیزی که اتفاق افتاده است نه کاهش دخالت دولت، بلکه تغییر ماهیت دخالت دولت در راستای تقویت خصلت طبقاتی خود بوده است.

۱ - ویسنت ناوارو استاد علوم سیاسی و جامعه شناسی در دانشگاه جان هاپکینز بلومبرگ و دانشگاه پامپیی فابرا میباشد.

۲ - مایکل هاردت استاد ادبیات در دانشگاه دیوک میباشد. آنتونیو نگری، محقق و نویسنده‌ی مستقل در دانشگاه پاریس و دانشگاه پادوآ علوم سیاسی تدریس کرده است.

۳ - تئوری کینیسین - (Keynesian Theory) بر اساس نظریات جان مینارد کینز (John Maynard Keynes)، اقتصاددان قرن بیستم انگلیس به تئوری اقتصاد مختلط که در آن هر دو بخش دولتی و خصوصی در آن نقش کلیدی دارند معتقد است. این تئوری در حقیقت بسط تئوری اقتصاد کلاسیک با در نظر گرفتن تئوری‌های کارل مارکس میباشد.

۴ - سیاست حمایت از تولیدات داخلی - (protectionism) به مجموعه‌ی سیاستی، از قبیل اعمال تعرفه‌های زیاد بر کالاهای وارداتی و سهمیه‌بندی کالاهای وارداتی، گفته میشود که از طرف دولت‌ها در جهت حمایت از تولیدات داخلی اجرا میشوند گفته میشود.

[برگرفته از سایت کار](#)